

## قباله‌های پارس

● فاطمه هاشمی



اسناد به علت اصالت و اعتبارشان بر بسیاری از تحقیقات تاریخی برتری دارند؛ زیرا محتوای هر قطعه از این اسناد با زمان و رویداد مورد نظر نزدیکی دارد، در نتیجه آنچه از محتوای آن‌ها برداشت می‌گردد، برخلاف کلیت قدیمی که دستخوش تغییراتی شده‌اند بکر و معتبر است. کتاب قباله‌های پارس: پردازش‌های تاریخی و محتوایی که به کوشش امید رضایی در ۱۹۵ صفحه برای اولین بار توسط انتشارات اسوه در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده از جمله آثار اسنادی است که اطلاعات ذی‌قیمتی را جمع به وقف‌نامه، مقاطعه نامه و... در اختیار ما قرار می‌دهد. این اثر در یک مقدمه و هفت مقاله تهیه و تنظیم شده است. مؤلف در پایان هم تصاویر اسناد مورد بررسی خود را برای آشنایی بیشتر خوانندگان ضمیمه کتاب کرده است.

### محتوای کتاب:

نگارنده این اثر پیش از این چندین مقاله و کتاب راجع به اسناد به رشته تحریر درآورده است. ۶ مقاله از ۷ مقاله این کتاب در سالها ۱۳۸۵-۱۳۸۷ در فصل‌نامه «وقف، میراث جاویدان» منتشر شده است. در مقدمه این کتاب نویسنده به معرفی کلی اثر خود و توضیح و تشریح سند و سندشناسی پرداخته است. از دیدگاه وی سند نوشته‌ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد می‌باشد. سندشناسی هم مطالعه اسناد حال و گذشته از منظر شکل، اجزاء، محتوا و سبک نگارش است. (ص ۱۱)

در مقاله اول نویسنده به بررسی تطبیقی وقف‌نامه‌های دوره‌ها و مناطق گوناگون می‌پردازد و مؤلفه‌های غیررکنی را در نگارش وقف‌نامه به این صورت نام می‌برد: یکم: مؤلفه تکثیر یا تجدید وقف‌نامه؛ قدیمی‌ترین وقف‌نامه‌ی دال بر این موضوع وقف‌نامه قاضی سمنانی متعلق به قرن نهم قمری است که این چنین آمده است «و شرط دیگر آنکه هر بیست سال این وقفیه [را] تجدید نمایند» به این معنی که چند سال بعد از تحریر اصل سند، واقف که متولی هم بوده به خط خویش این نسخه را نوشته و جمعی نیز صحت آن را تصدیق کرده‌اند. به‌طور کلی تکثیر و انتشار اسناد در دوره‌های مختلف از نظر زمان بندی متفاوت بوده‌اند مثلاً وقف‌نامه‌ی سمنان در دوره تیموری بیست ساله بوده است یا وقف‌نامه‌ی بخارا و سمرقند در عصر صفویه ده ساله بوده است. (ص ۱۶-۲۰)

دوم: مؤلفه انذار، واقفانی که با دربار و دیوان ارتباط داشتند بخشی از اموال خود را از طریق بهره‌مندی از تخفیف یا معافیت مالیاتی برای موقوفاتشان به دست می‌آوردند و به این ترتیب واقف، مقامات عالی‌رتبه و دین‌یاب را از دخالت در امور

■ قباله‌های پارس: پردازش‌های تاریخی و محتوایی

■ به کوشش: امید رضایی

■ انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۱۹۵

از دیدگاه نویسنده سند نوشته‌ای است که در  
مقام دعوی یا دفاع قابل استناد می‌باشد. سند  
شناسی هم مطالعه اسناد حال و گذشته از منظر  
شکل، اجزاء، محتوا و سبک نگارش است

## قباله‌های پارسی

سراسر جهان اسلام در قرون وسطی نسبتاً رایج است» (ص ۴۴) نویسنده در پایان  
فصل متن همین وقف‌نامه را آورده است. (ص ۴۴-۴۸)

مقاله سوم با عنوان از محرری تا سلسله محرران، در این قسمت قباله‌های شهر  
شیراز، که در یزد و تهران نگهداری شده‌اند، مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته‌اند.  
مؤلف بر آن است تا شباهت‌های موجود و نام افراد و یا محاکمی را که به ثبت  
موقوفات پرداخته‌اند، در این اسناد دریابد که آن‌ها را می‌توان به شرح زیر نام برد:  
اول محاکم شرع شیراز، هر یک از محاکم این شهر در دوره قاجاریه علاوه بر ثبت  
قباله نام محکمه را نیز در آن درج کرده‌اند به عنوان نمونه «ثبت محکمه محکمه  
علیه عالیة اسلامیة شد.» این قبیل یادداشت‌ها دلیلی است بر این که این سند در  
محکمه شیخ الاسلامیه شیراز ثبت شده است. بنابراین، در شیراز دوره قاجار چند  
محکمه به موازات هم وجود داشته‌اند. (صص ۴۹-۵۱) دوم: جایگاه ثبات محکمه،  
قدیمی‌ترین یادداشت دفتری بر یکی از قباله‌های شیراز متعلق به سید علی حسینی  
است که حداقل ۲۷ سال ثبات محکمه‌ی اسلامی بوده است. سررشته امور بعد از  
فوت او به حاجی میرزا محمد رسید که در طول ۴۷ سال فقط از مهری با نقش «دارد  
شرف بر انبیا محمد ۱۲۵۰» استفاده می‌کرده است. همزمان با او شخص دیگری  
هم برخی قباله‌ها را ثبت کرده است یعنی در هنگام کثرت مراجعات، کسالت، سفر و  
کهنولت سررشته‌دار اصلی، شخص دیگری در معاونت او مانع بر زمین ماندن کارها  
می‌شده است. (صص ۵۲-۵۴)

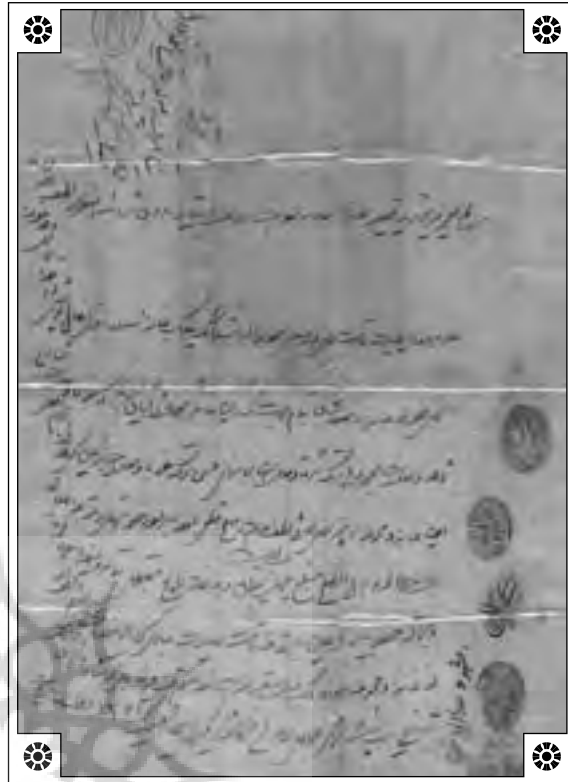
سوم: مجموعه محرران و سیر نزولی - صعودی آن‌ها، به گفته نویسنده، قباله‌ها  
دو دسته‌اند دسته اول آن‌هایی که توسط فرد یا افرادی تهیه شده‌اند که اصل قباله  
ماحصل کار ایشان است. دسته دوم آن‌هایی که در جای دیگری استنساخ شده‌اند.  
در بررسی رونوشت اسنادی که وی آورده است استنساخ‌گران قبل از معرفی صاحب  
هر سجع از عناوین میرزا، ملا، حاجی و... استفاده کرده‌اند. این اسناد به ما صعود و  
نزول محرران را اینگونه نشان می‌دهد که افرادی که در بالای متن سجع خود را  
آورده‌اند، جایگاه والاتری داشته‌اند و سجع‌هایی که در ادامه آن‌هاست متعلق به تازه  
واردان است. (صص ۵۴-۶۰)

در مقاله چهارم با عنوان از ثبت تا اخراج، نویسنده در خصوص روش ثبت  
اسنادی که توسط صاحب محکمه دستور ثبت می‌خورند و شیوه فسخ (اخراج) آن‌ها  
این چنین آورده است. ۱- موضوع‌بندی افراد، با تکیه بر اسناد شیراز «فرد» یعنی  
ورقه‌ای که مستوفیان بر آن جمع و خرج ولایتی را می‌نوشتند و «تمسک» یعنی  
قبض. حجت. سند را تشریح می‌کند. (صص ۶۴-۶۵) ۲- تعیین محکمه شرع، به  
گفته نویسنده یکی از مشکلات مطالعات آرشیوی از هم گسیختگی اسنادی است

موقوفه‌اش بر حذر می‌داشت، ولی مقامات در ادوار مختلف با استفاده از حیل شرعی  
برای توجیه مداخلات و سوء استفاده‌هایشان تفسیری باب میل خود در این مورد  
ارائه می‌دادند. این مؤلفه در سندی از کرمان متعلق به قرن ۸ ق این چنین آمده است:  
«و هیچ آفریده را از والی و حاکم و قاضی و وراث خویش و بیگانه جایز نیست که در  
تغییر این وقفیه کوشند یا شرطی از شرایط آن سعی نمایند.» مثال‌هایی از وقف‌نامه  
شیراز در قرن ۹، ۱۰، یزد، اصفهان، سمرقند و بخارا در قرن ۱۱ این شرط  
درج شده است. (صص ۲۱-۲۸) سوم: مؤلفه بیش از یک نسخه، یعنی تهیه هم‌زمان  
چند نسخه از یک سند که امروزه هم در دفاتر اسناد رواج دارد. نویسنده برای نمونه  
یکی از قدیمی‌ترین وقف‌نامه‌های شرق کشور متعلق به قرن ۹ را می‌آورد. «این  
وقفیه در سه نسخه ثبت افتاد و به امان سپارده شد.» (صص ۲۸-۲۹)

چهارم: مؤلفه اجاره کوتاه مدت، اجاره‌ی موقوفه خود دلیل محکمی بر وقوع  
و عمل به وقف است. اما استفاده از این اجاره در حالت‌های خاص می‌تواند بقای  
موقوفه را به مخاطره اندازد و این احتمال وجود داشت که افراد یا اصناف برای تصرف  
آن از طریق اجاره وارد عمل شوند و با تمدید چندباره‌ی آن برای خود حقی قائل شده  
و در نهایت موقوفه را به تملک خود درآورند. از این رو واقفان متولی را از اجاره طویل  
المدت یا تمدید بی‌موقع اجاره بر حذر داشته‌اند. چنانکه خواجه رشید الدین فضل الله  
همدانی در سال ۷۰۹ ق. در این باره چنین گوید: «موقوفات را [بیشتر از سه سال به  
اجارت و مساقات ندهند.» در وقف‌نامه‌های شیراز سال ۷۲۵، دامغان ۸۱۵ و وقفیاتی  
متعلق به دوره صفویه هم واقفان بر این نکته تأکید کرده‌اند. (صص ۳۰-۳۴)

مقاله دوم دربرگیرنده نظریه‌ای بر چیدمان کلمات کناری در اسناد است.  
منظور از کلمات کناری اسماء جلالیه، اسمای واقف، متولی و... است که با متن سند  
ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. شامل: ۱- شیوه صفحه‌بندی، نویسنده با مثالی از  
وقف‌نامه‌های قزوین مقدار فواصل حاشیه‌ها، تعداد سطور، تقسیم صفحه و... را شرح  
داده است. (صص ۳۵-۳۹) ۲- مبانی تقدم و تأخر کلمات خارج از متن، در خصوص  
رعایت نسبت کلمات به یکدیگر در نغایس الفنون آمده است «چون نامه به صاحب  
شوکتی نویسد اندکی بیاض بگذارد و نام او بالای آن بر کنار راست ثبت کند و  
رعایت این معنی در نام حق تعالی اولی بود» از نگاه نویسنده قاعده خاصی برای  
کلمات خارج از متن وجود دارد، مصادق این امر وقف‌نامه قزوین یا در امثله‌ی دوره  
صفوی و... هستند. (صص ۳۹-۴۴) ۳- ارکان عقد، نویسنده در این باره توضیح زیادی  
ارائه نمی‌دهد و محرراً وقف‌نامه خواجه بیک میرزای قزوینی را مثال می‌آورد که در  
آن «تولیت و قبض و اقباض» دو نکته فقهی برجسته نشده‌اند. به نظر می‌رسد...  
این بی‌دقتی بسته به اسناد فردی، متفاوت است ولی با این همه این عدم دقت در



مهر خاص خود را داشته‌اند. برای نمونه آقا سید اسماعیل مجتهد موسوی بهبهانی خطی شبیه نسخ یا ثلث داشته در حالی که در آن دوره خط نستعلیق بیشتر استفاده می‌شد. (صص ۱۲۱-۱۲۳) ۲- استفاده از مهرهای مختلف، در سجلات سنگلجی نظمی وجود دارد که در سجلات سید اسماعیل به چشم نمی‌خورد؛ زیرا سید اسماعیل از جمله علمای تهران بود که همواره از مهرهای مختلف استفاده می‌کرد و معمولاً مهرهای او سجع «عبده اسماعیل الموسوی» را داشته و فقط در آخر آن سال‌هایش را عوض می‌کرد. مانند «عبده اسماعیل الموسوی ۱۲۵۳» یا «عبده اسماعیل الموسوی ۱۲۹۳» (صص ۱۲۳-۱۲۵) ۳- محرر طهرانی، این اسناد مربوط به سال‌های ۱۲۸۹-۱۲۹۲ ق. است که همه را یکی از محرران سید اسماعیل به نام محمد حسن به ثبت رسانده است. سجع‌های به کار رفته نسبت به سجع محرران سنگلجی و شیخ الاسلامیه شیراز تازه و مبتکرانه است و محرر به جای استفاده از شیوه معمول دست‌نویسی از مهر مخصوصی برای یادداشت پشت سجل سید اسماعیل بهره می‌برده است. معمولاً محرران سنگلجی در یادداشت خود نوشته‌اند «ثبت شده». اما در مهر محمد حسن این واژه مورد استفاده قرار گرفته است «محمد حسن ثبت نموده». (صص ۱۲۵-۱۲۷) ۴- رونوشت‌های جدید، نویسنده در اینجا به بررسی موارد از قلم افتاده و یا اشتباهی می‌پردازد که کارمندان اداره اوقاف مرکز در تهران به هنگام استنساخ منجر به بروز آن‌ها شده‌اند. (صص ۱۲۷-۱۲۸) ۵- مؤلف تحت عنوان میراث‌داران محکمه به بررسی نوع سندنویسی و موارد تشابه و تفاوت پسر سید اسماعیل یعنی سید عبد الله بهبهانی (از رجل مشروطه) و نیز شیوه نوه‌اش میر سید محمد مجتهد بهبهانی می‌پردازد. (صص ۱۲۹-۱۳۵)

مقاله آخر با عنوان ظهور و افول یک طبقه سیاسی در اعتبار بخشی اسناد شرعی است. نویسنده به دنبال آن است تا نقش یک طبقه یا خاندان سیاسی را در تغییرات قبایله‌نویسی را نشان دهد. در حالی که اعتبار بخشی قبایله‌های دوره قاجاری عموماً در گروهی امضای امنای شرع بوده است در کردستان در زمان استیلای والی‌های اردلان این رویه تغییر یافت و مداخلات ولات در این امر دیده شده است. در دوره امان‌الله خان بزرگ محل استقرار سجلاتش با موضع مهر سلاطین قاجار در فرامین مطابقت دارد، در حقیقت سجلات والی را می‌توان اجازه او در نقل و انتقال دانست. سبک سجل نویسی<sup>۲</sup> امان‌الله خان در دوره رضا قلی خان هم معمول بود. تفاوت سجلات دوره امان‌الله خان ثانی با والیان مزبور در مضمونشان است، بدین معنی که ضمن نشان دادن چگونگی رابطه‌اش با علما، «داروغه و کلانتر و مباشرین امور شهر» را هم به طور مستقیم مورد خطاب قرار داده است. (صص ۱۳۷-۱۵۱)

### پی‌نوشت

۱. محرر در لغت به معنای تحریر کننده است. آنکه نامه‌ها و فرمانها را در دارالانشاء و دیوان رسائل بنویسد یعنی پاکت‌نویس کند. قبایله نویسی. (لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، صص ۲۶۲).
۲. سجع، یعنی عبارت یا جمله‌ای کوتاه و موزون و با لطف معنی که پادشاهان و فرمانروایان بر روی نگین یا انگشتر یا مهر خود حک می‌کردند. (دهخدا، ج ۲، صص ۱۶۵۷).
۳. سجل، مهر که بر نوشته زنده نامه‌ای که قاضی در آن حکم و فتوای خود را ثبت کند و مهر بزند. (همان، ۱۶۵۷).

که خرید و فروش شده‌اند و یا این که سند ولایتی در ولایت دیگر تنظیم شده است که با مکان‌یابی اراضی و اسامی جغرافیایی و نسبت‌های اشخاص می‌توان بر این مشکل فائق آمد. مؤلف با بررسی اسناد فارس شیوه فرد بلوک فسا و روش‌های اخراج را توضیح می‌دهد. (صص ۶۵-۱۰۵)

مقاله پنجم شامل مقاطعه‌نامه‌های حج نیابتی (یعنی کسی که به نیابت از فرد دیگری خانه خدا را زیارت می‌کرد) است و برای این کار قرارداد خاصی تنظیم می‌کردند و سند آن را در یک محکمه معتبر با حضور موکل، موصی، ورثه و فردی که انجام مراسم حج را می‌دانست، تنظیم می‌شد. نویسنده با در نظر گرفتن کتابچه‌ی شرعیات محکمه آقا سید صادق طباطبایی می‌گوید در هر قبایله، حج نیابتی برای کسی درخواست شده است که از جمله رفتگان بوده و حج را در حیات خود به جا نیاورده است؛ اما نایب را با کلمه حاجی معرفی کرده است. یعنی وی برای خود یا از طرف دیگران پیش از این به حج رفته است. هزینه این کار هم متناسب با شأن و پایگاه اقتصادی سفارش دهنده ثبت می‌شد. متن سه سند مورد بحث را در این قسمت آورده است. (صص ۱۰۷-۱۱۹)

مقاله ششم تحت عنوان محکمه‌ای برای چند نسل، نویسنده با مطالعه موردی محکمه اسلامیه شیراز و آقا سید صادق مجتهد سنگلجی در تهران در پی آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که سبک و سیاق ثبت در محاکم دوره قاجاری بیشتر به محکمه سنگلجی گرایش داشته‌اند یا محکمه اسلامیه شیراز؟ وی با بررسی مستقیم اسناد استان تهران، قم و مرکزی به نتایج زیر می‌رسد: ۱- گرایش پدر به ثبت اسناد، بر اساس بررسی مستقیم اسناد یک مجموعه ۱۸ سندی شناسایی شده دوره قاجاری مشخص شد که هر یک از علما و رجال خط و